

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

لسان الغیب حافظ شیرازی غزل بسیار زیبایی دارد که بسیار آموزنده است.

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
ای دل کسی گمراه نیست

تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند
شطرنج رندان را مجال شاه نیست

چيست اين سقف بلند ساده بسیار نقش
دانا در جهان آگاه نیست

این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است؟
نهان هست و مجال آه نیست

صاحب دیوان ما گویی نمی داند حساب
طغرا نشان حسبه لله نیست

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو
و حاجب دربان بدین درگاه نیست

بر در میخانه رفتن کار یک رنگان بود
فروشان را به کوی می فروشان راه نیست

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست
تشویق تو بر بالای کس کوتاه نیست

بنده پیر خراباتم که لطفش دایم است
لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

حافظ ار بر صدر ننشیند ز عالی مشرب نیست
کش اندر بند مال و جاه نیست

عاشق دردی

این غزل هزاران نکته باریک ، قابل فهم و مهم را در دل دارد که مسلماً توجه و درک واقعی حقیقت موجود در آن می تواند در زندگی راهگشای خیلی ها باشد.

هر کسی که در زندگی راه راست را انتخاب نماید و به کاری که انجام می دهد و نتیجه آن ایمان و اعتقاد داشته باشد نباید از اقدامات ، رفتارها و سخن ها و گفتارهای کسانی که در پی آشفته کردن حال راستگویان و درست کرداران هستند ترسی به دل راه بدهد و احساس ضعف و سستی نماید.

زندگی عرصه آزمون است. انسان باید به جز خداوند از هیچ کس و هیچ چیز دیگری ترسی به دل نداشته باشد و از باج دادن و باج ستاندن پرهیز بکند و هر کاری را که به صلاح جامعه تشخیص بدهد عمل بکند و از هیچ تهدید و جو سازی و توهین و تهمت نترسد.

انسان را کبر و غرور و خودپسندی و خود را برتر شمردن به فنا سوق می دهد. همه عرصه های اجتماعی چون سیاست و اقتصاد و ورزش و... اگر به دقت مورد بررسی قرار گیرد مشخص می شود آنهایی که در دام بیماری خطرناکی چون غرور و تکبر گرفتار بوده اند دنیا و آخرتشان در معرض نابودی قرار گرفته است.

غرور درهای نجات را به سوی انسان می بندد و چنان وی را در افکار باطل اش غوطه ور می سازد تا به جهل و خطای عمیق دچارش نماید، خود را برتر و افکارش را تعیین کننده قلمداد کرده و چشم بر روی حقایق ببندد.

اگر کسی در دامن کبر و غرور گرفتار نشود و کارها و اقداماتش را در زندگی بر مبنای واقعیت های موجود در جامعه قرار بدهد، موفقیت دور از دسترس نمی تواند باشد. هر کسی که اجازه برای لانه کردن غرور و تکبر در وجودش را ندهد و در همه حال خدا را شاهد و ناظر بر اعمالش بداند مورد حمایت قرار گرفتنش از جانب پروردگار حتمی است.

خود را برتر دیدن و عینک کبر ورزی بر چشم ها زدن بلای عظیمی است که می تواند معایب متعددی از جمله غفلت از خداوند متعال، کفران نعمت های الهی، تضییع حقوق مؤمنان ، غرق شدن در عیاشی ها و هوس بازی ها را به دنبال داشته باشد.

کبر و غرور می تواند از عوامل گوناگونی سرچشمه بگیرد که یکی از

آنها کمبود ظرفیت می باشد.

از نظر استعدادهای درونی انسان ها متفاوت بوده و قابلیت ها و ظرفیت های آنها نمی تواند یکسان باشد. برخی ها وقتی به مقامی می رسند و یا در جایگاهی قرار می گیرند ممکن است به دلیل نداشتن ظرفیت کامل برای پذیرش آنها از خود بی خود شوند و آنچنان مست غرور و تکبر گردند که گویی قله های کمال و مدارج بلند علم و معرفت را فتح کرده اند. آنچنان در اندیشه های باطل و پوچ خود غوطه ور می شوند که می پندارند کسانی که می توانند در تغییر وضعیت اثرگذار باشند آنها هستند و لاغیر و چنین است که با مدد گرفتن از این اندیشه ناپاک در راه رسیدن به هدف به هر کاری که بخواهند دست می زنند.

اما محمد باقر(ع) چه زیبا فرموده اند: در دل هیچ کس کبر(خواه کم باشد یا زیاد) وارد نمی شود مگر آن که از عقلش به همان اندازه کاسته شود.